

بررسی تحمل و مدارا به عنوان یکی از اجزاء سرمایه اجتماعی با تکیه بر دیدگاه سعدی

* علی نصر اصفهانی

Email: Alin@ASE.ui.ac.ir

** محمد اسماعیل انصاری

*** علی شائمی برزکی

*** حسین آقا حسینی

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۲۵

چکیده

یکی از چالش‌های عصر جدید ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی است. صاحب‌نظران در سال‌های اخیر اذعان داشته‌اند که تحمل و مدارا بخشی از سرمایه اجتماعی است. تحمل و مدارا بخشی از هویت ما ایرانیان است و در ادب فارسی فراوان به آن اشاره شده است. این پژوهش با هدف بررسی مفهوم تحمل و مدارا و نقش آن در سرمایه اجتماعی و نیز تعیین شاخص‌های تحمل و مدارا از دیدگاه اندیشمندان غربی و آموزه‌های سعدی انجام گردیده است. این پژوهش یک مطالعه تحلیلی محتوا است. روش گردآوری داده‌ها روش کتابخانه‌ای است. در این پژوهش متون گوناگون در مورد تحمل و مدارا از دیدگاه اندیشمندان غربی و آثار نظم و نثر سعدی مورد بررسی قرار گرفت و سپس بر اساس یافته‌های مرحله اول، شاخص‌های تحمل و مدارا و فراوانی هر مقوله در آثار سعدی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تحمل و مدارا یکی از اجزاء لاینفک سرمایه اجتماعی است. شاخص‌های تحمل و مدارا در این پژوهش عبارتند از: توجه به دیدگاه‌های گوناگون، پرهیز از تعصب، احترام به تفاوت‌های فردی، تلاش جهت کشف زمینه‌های مشترک، عدم تنفر نسبت به اعضای گروه‌های متفاوت، عدم تلاش جهت بدنام کردن دیگران، عدم توهین به دیگران، دادن احساس خوب به دیگران، تلاش در برقراری ارتباطات اثربخش با دیگران، توجه به منافع دیگران و عدم احساس جدایی از دیگران.

کلیدواژه‌ها: تحمل و مدارا، بی‌تحملی، سرمایه اجتماعی، سعدی.

- * عضو هیأت علمی و دانشجوی دکتری رشته مدیریت، دانشکده علوم اداری مدیریت دانشگاه اصفهان
- ** استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری دانشگاه اصفهان
- *** استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری دانشگاه اصفهان
- **** دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان

مقدمه

هویت ملی، مجموعه ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی، فکری، زیستی و تاریخی است که بر یگانگی و همانندی آحاد یک ملت دلالت می‌کند و آنها را از سایر گروه‌ها و افراد متمایز می‌نماید. ایرانیان که به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی همواره در حال تعامل با کشورها، ادیان و آیین‌های مختلف بوده‌اند، سعی کرده‌اند با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون دینداری، همزیستی فرهنگی، و سازگاری هویت ملی خود را بسازند. تحمل و مدارا یکی از عناصر هویت ایرانی است که در این مقاله بررسی می‌گردد.

تحمل و مدارا به معنای پذیرش عقاید مخالف نیست. لازمه آن، شنیدن عقیده‌ای با وجود نپذیرفتن و نامطلوب دانستن آن اندیشه است. افراد کم‌تحمل در برابر عقاید مخالف، اغلب جزم‌اندیش، خودبزرگ‌بین، خودمحور و کم‌ظرفیت‌اند. بر این گمان‌اند که همه چیز را می‌دانند، و هرگونه اظهارنظر در برابر خود را گستاخی می‌شمارند، به همین جهت نظرهای مخالف را بر نمی‌تابند و با شنیدن هر عقیده مخالف، خشمگین می‌گردند. تنگ‌نظران، کوتاه‌بینان از زمره افراد کم‌تحمل‌اند. آنان به سبب ویژگی‌های خاص خود قادر به شنیدن دیدگاه‌های متفاوت نیستند؛ زیرا تعصب بزرگترین دشمن تحمل و مداراست. حافظان وضع موجود نیز از دیگر افرادی هستند که از تحمل و مدارا بهره‌ای نبرده‌اند. افراد یک جامعه باید بیاموزند که دیگران را تحمل کنند همچنان‌که دوست دارند دیگران آنها را تحمل کنند. تحمل و مدارا به افزایش سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. سرمایه اجتماعی، چگونگی روابط افراد یک جامعه است. تحمل و مدارا فضیلتی است که دوستی و همکاری را افزایش می‌دهد و می‌تواند دشمنی و درگیری بین مردم را کاهش دهد. اصرار بر تحمل نکردن دیگران، باعث می‌شود امکان کار کردن افراد گوناگون با یکدیگر دشوار گردد و خاصیت هم‌افزایی حاصل از کار گروهی تنزل یابد. متنوع شدن نیروی کار، یکی از واقعیت‌های دنیای جدید می‌باشد که به مدد تحمل و مدارا می‌توان از آن بهره‌برداری بیشتری نمود.

پرسش‌های اصلی این پژوهش، آن است که مفهوم تحمل و مدارا و نقش آن در سرمایه اجتماعی چیست؟ شاخص‌های تحمل و مدارا بر اساس دیدگاه و آموزه‌های سعدی اندیشمندان غربی، کدام است؟ آیا تحمل و مدارا همواره ضرورت دارد؟ یا آنکه نگاه به آن، نگاهی اقتضایی است؟ در نهایت چگونه می‌توان این شاخص‌ها را به افراد جامعه آموزش داد؟

پیشینه بحث

با آنکه در متون دینی و ادبی ما بر تحمل و مدارا تأکید فراوان شده، کمتر پژوهش مستقلی درباره آن صورت گرفته است. تنها مقاله‌ای که نگارندگان اثری از آن در این باره به دست آوردند، مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری مدارا در قرآن کریم و سنت معصومین(ع)» بود. نویسنده مقاله فوق، اذعان داشته که پیدایش اختلاف در بینش و منش انسان‌ها امری ضروری در نظام هستی است که از طبیعت آفرینش انسان و اختلاف موجود در منظومه هستی نشأت می‌گیرد. به رسمیت شناختن این اختلاف‌ها دلیل روشنی بر به‌کارگیری اصل «مدارا» در جامعه است (مروتی، ۱۳۸۵: ۶۳). مقاله مذکور مدارا را یک اصل دینی که از قرآن و سنت معصومین (ع) گرفته شده می‌داند. نویسنده، سه عرصه مدارا را بدین شرح، بحث و بررسی کرده است:

الف) عقیدتی و ایمانی؛ ب) اخلاقی و رفتاری؛ ج) فرهنگی و اجتماعی. وی برای هر یک از سه عرصه مذکور، مصداق‌های تاریخی و آیات و احادیث گوناگونی را ذکر کرده است؛ اما به دیدگاه نویسندگان غربی، راهکارها، شاخص‌های تحمل و مدارا، ارتباط این دو مقوله با سرمایه اجتماعی، و بررسی آنها از دیدگاه سعدی توجهی نکرده است. در این پژوهش، نگارندگان تلاش می‌کنند. این موارد را بررسی نمایند.

تعریف تحمل و مدارا

تحمل در لغت به معنای تاب آوردن، صبر کردن، قدرت پذیرش مشکلات و ناراحتی‌ها، توانایی تحمل رنج و سختی و مقاومت در برابر دشواری‌هاست (مشیری، ۱۳۷۱: ۲۳۳). مدارا یعنی با نرمی و مهربانی رفتار کردن، لطف و مهربانی کردن (مشیری، ۱۳۷۱: ۹۷۵). در این مقاله، این دو واژه در کنار یکدیگر به کار برده می‌شود و به معنای داشتن نگرش باز و احترام به تفاوت‌های موجود بین افراد می‌باشد. تحمل و مدارا به معنی توجه به دیگران و یادگیری از آنها^۱، ارزشمند شمردن تفاوت‌ها^۲، پل زدن بر شکاف‌های فرهنگی^۳، نپذیرفتن اندیشه‌های قالبی غیرمنصفانه^۴، کشف زمینه‌های مشترک^۵، و ایجاد متحدان جدید^۶ است (Lyness, 2006: 2). تحمل و مدارا پیامد انسانیت انسان است^۷ (Einstein, 2005: 2). ارج نهادن به تنوع و توانایی زندگی، و اجازه دادن به

1. Respecting and Learning from others
2. Valuing difference
3. Bridging cultural gaps
4. Rejecting unfair stereotypes
5. Discovering common ground
6. Creating new bonds
7. It is consequence of humanity

دیگران برای زندگی است، توانایی اعمال نگرشی عینی و منصفانه بر عقاید، اعمال، مذهب، ملیت و همه موارد متفاوت از دیدگاه فرد است (Peterson, 2003: 1). احترام به تفاوت‌های فردی و تحمل آنها، سوخت آتش محبت مداوم است^۱ (Einstein, 2005: 1). در اعلامیه اصول مدارای یونسکو تعریف این دو واژه بدین شرح آمده است:

احترام، پذیرش تنوع غنی فرهنگ‌های جهان و شیوه‌های ابراز و طریق انسان بودن و ارج نهادن بدان‌هاست (Unesco, 1995: 2).

تحمل و مدارا به معنی موافقت با دیگران یا بی تفاوت ماندن در رویارویی با بی‌عدالتی نیست بلکه احترام گذاشتن به انسانیت هر انسان است (Peterson, 2003: 1). تحمل و مدارا، پذیرش و درک اشکالات و نواقص دیگران است (Einstein, 2005: 1). تحمل و مدارا توافق بر سر تفاوت‌هاست^۲. تحمل و مدارا روش فکر کردن و احساس کردن^۳، از همه مهم‌تر روشی برای عمل کردن است. با تحمل و مدارا فرد برای کسانی که مشابه او نیستند، احترام قائل می‌شود^۴ (Unesco, 1995: 2).

نزدیکترین واژه به این مفهوم، حلم^۵ است. حلم به معنای تحمل امور ناگوار با وجود توانایی داشتن است. به این ترتیب، در این مقاله تحمل و مدارای از روی قدرت مورد نظر است، البته سخن ما به این معنی نیست که هر رفتاری را باید پذیرفت. رفتار توهین‌آمیز^۶ یا آسیب رساننده به دیگران^۷ مثل قلدری^۸، و رفتارهای خلاف قوانین جامعه مثل دروغ‌گویی^۹ و سرقت^{۱۰} قابل تحمل نیست. تحمل و مدارا یعنی پذیرش افراد آن چنان که هستند نه پذیرش رفتار نامطلوب آنان (Lyness, 2006: 3).

تحمل با بی تفاوتی فرق دارد. هرگاه فرد به چیزی یا کسی هیچ‌گونه احساسی نداشته باشد نسبت به آن بی تفاوت است، نه متحمل. در معنای این دو واژه، همواره نوعی بزرگواری، بخشش و توانایی وجود دارد؛ درحالی که بی تفاوتی، با نوعی سستی و ناتوانی همراه است، این دو مفهوم در مقابل یکدیگر قرار دارند. هرگاه فرد به عقیده‌ای اعتراض نکند و آن را بپذیرد، بی تفاوت خواهد بود نه مدارا کننده (Cranston, 1997: 148).

تحمل و مدارا از دیدگاه اندیشمندان اسلامی و ایرانی

بسیاری از اندیشمندان معتقدند که مدارا یک اصل دینی گرفته شده از قرآن و سنت

1. Tolerance and celebration of individual difference is the fire that fuels lasting love
2. Tolerance is harmony in difference
3. A way of thinking and feeling
4. Respect for those unlike us.
5. Clemency
6. Disrespect
7. Hurt
8. Bullying
9. Lying
10. Stealing

است. واژه مدارا در متون اسلامی با هدف قرار دادن تعاون مثبت به کار رفته است (مروتی، ۱۳۸۵: ۶۷). خداوند متعال در قرآن کریم راز موفقیت و کامیابی حرکت اصلاحی پیامبر(ص) را نرمخویی، خوش رویی، مدارا و به کار نگرفتن سختگیری و خشونت دانسته است. دین اسلام هیچ‌گاه پیروان ادیان دیگر را مجبور به پذیرش اسلام نکرده؛ بلکه ادیان و اعتقادات آنان را در عرصه سیاست و اجتماع به رسمیت شناخته است، نه تنها هیچ مانعی بر سر راه پیروی آنان از دینشان نگذاشته؛ بلکه حکومت دینی را ملزم به تأمین امنیت آنان نموده و حتی کمک به تعمیر معابد و مکان‌های دینی آنان را نیز در دستور کار خود قرار داده است (مروتی، ۱۳۸۵: ۸۲).

رفق و مدارا یکی از اصول مهم و حیاتی اخلاق اجتماعی است. این اصل، تأثیر بسیار شگرفی در پیوند دل‌های مردم دارد و یکی از ابزارهای ضروری برای مدیریت و رهبری است خداوند متعال، رسولش را به رفق و مدارا سفارش کرده و آن حضرت، علاوه بر برپا داشتن واجبات الهی، در برخورد با مردم این دو اصل مهم رفق و مدارا را سرلوحه رفتار خود قرار داده است (پیروز، ۱۳۸۴: ۲۴۰). مدیران نیز همواره باید با افراد مدارا کنند؛ زیرا عاقل‌ترین مردم کسی است که بیشتر با آنان مدارا کند (علی‌آبادی، ۱۳۷۷: ۲۶۶). رفق و مدارا دارای پیامدهای مثبتی است از جمله: دستیابی به خواسته‌ها، فائق آمدن بر مشکلات، و آسان نمودن روابط اجتماعی (پیروز، ۱۳۸۴: ۲۴۰). اگر رفق و مدارا در روابط اجتماعی مورد توجه جدی نباشد، مشکلات بسیاری در تعامل‌ها به وجود خواهد آمد. امام صادق (ع) رفق و مدارا با مردم را سبب ارجمند شدن انسان، و خشونت و تندخویی را موجب خوار شدن او نزد آنان می‌داند (پیروز، ۱۳۸۴: ۲۴۰).

تحمل و مدارا بخشی از هویت ایرانی

یکی از مهم‌ترین آموزه‌ها و بن‌مایه‌های اساسی ادب فارسی به ویژه ادب عرفانی، مدارا با دیگران، احترام به حقوق انسان‌ها، و پرهیز از هرگونه ناسازگاری است. این ویژگی با فرهنگ و تمدن ما در آمیخته، و وجود آن برای انسان معاصر، لازم است.

اگرچه روحیه تحمل و مدارا در تمام فرهنگ‌ها و ادیان دیده می‌شود، انعکاس این آموزه‌های دینی و الهی در کمتر فرهنگ و تمدنی به اندازه فرهنگ و تمدن ایرانی تأثیرگذار بوده است. این مشخصه انسان ایرانی که خود از عوامل سیاسی - فرهنگی، دینی و جغرافیایی برخاسته، در مجموعه آثار ادبی ما از قدیمی‌ترین متون منظوم و منثور تا امروز دیده می‌شود. با انجام پژوهش‌هایی از این منظر بر روی آثار ادبی

می‌توان دایره‌المعارفی از فرهنگ ایرانی ترتیب داد و آن را به‌عنوان منشور هویت ایرانی در عرصه روابط اجتماعی، به جهانیان عرضه کرد (حیاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۹).

البته این ویژگی تنها به متون ادبی عرفانی منحصر نیست، بلکه در زندگی عملی انسان ایرانی و در روابط اجتماعی او نیز بدان توجه می‌شده است؛ چنانکه سعدی این خصلت والای انسانی را با غرور و تکبر مانع‌الجمع دانسته و سبب پذیرش و تحمل دیگری را توصیه خرد می‌داند (سعدی، ۱۳۸۴ ب: ۱۷۶). همچنین در زمان حکومت حاکمان ایرانی به‌ویژه سامانیان و صفاریان، به دلیل غلبه روح دیگرخواهی و پرهیز از جزمیت، تحمل و مدارا در عرصه‌های دینی و سیاسی و... شعار جامعه بوده، با بردباری به صدای دیان و عقیده‌های گوناگون گوش سپرده می‌شد، چندصدایی بر تک‌صدایی، و صلح بر جنگ برتری داشت و جنگ‌اندیشی عمل نادانان به شمار می‌رفت (حیاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۹).

تحمل و مدارا، یکی از اجزاء سرمایه اجتماعی^۱

یکی از چالش‌های رفتار در دنیای جدید، ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی است. هرچند سرمایه اجتماعی، ویژگی جمعی (گروه، سازمان، خانواده و ملت) را دارد، ولی از تلاش‌های فردی برای همکاری و ایجاد اعتماد و رابطه، ناشی می‌شود. در دیدگاه سنتی، سرمایه‌ها عبارت بودند از: سرمایه اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی؛ اما در سال‌های اخیر سرمایه فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز بدان‌ها افزوده شده است. از آن‌جا که سرمایه اجتماعی مکمل دیگر سرمایه‌هاست. لازم است مدیران و مسئولان به این‌گونه سرمایه به‌عنوان عامل اصلی برای اداره جامعه، توجه ویژه داشته باشند. سرمایه اجتماعی از دیدگاه کریتنر و کینیکی^۲، توانایی ایجاد روابط مبتنی بر همکاری و اعتماد است (Kreitner and Kinicki, 2007: 14) و عنوانی کلی^۳ قلمداد می‌گردد. از نظر پوتنام^۴ اعتماد عنصر اساسی این قسم سرمایه می‌باشد. اعتماد همکاری را آسان می‌کند؛ بنابراین هرچه اعتماد بیشتر، احتمال همکاری نیز بیشتر (Mc Elroy, and, et al, 2006: 127). مفهوم سرمایه اجتماعی کلیدی برای موفقیت فردی و اجتماعی است (Tyman and Stumpf, 2003: 12). سرمایه اجتماعی می‌تواند توانایی سازمان‌ها را برای مدیریت دانش افزایش دهد. در صورت وجود این سرمایه، اخذ و انتقال دانش سرعت می‌یابد

1. Social Capital

2. Kreitner and Kinicki

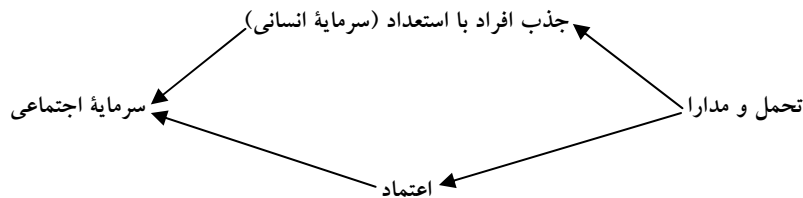
3. Is a general rubic

4. Putnam

5. Trust lubricates cooperation

(Hoffman and Sherif, 2005: 98) سرمایه اجتماعی باعث ایجاد سازمان‌های یادگیرنده^۱ می‌شود (Cunningham, 2002: 91) و نفوذ بالقوه‌ای بر عملکرد سازمان‌های جامعه دارد؛ بنابراین سازمان‌ها و جوامع نمی‌توانند نقش مهم آن را نادیده بگیرند. افراد به محیطی نیاز دارند که بتوانند در آن رشد کنند. چنین محیطی تنها از طریق رشد و گسترش سرمایه اجتماعی حاصل می‌شود (Brooks and Nafukho, 2006: 12).

صاحب‌نظران معتقدند که تحمل و مدارا بخشی از سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد (Das, and, et al, 2008: 194). سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی در هم تنیده‌اند؛ بنابراین بدون تحمل و مدارا نمی‌توان از سرمایه انسانی استفاده مطلوب نمود. هنگامی که افراد اعتماد متقابل^۲ و روابط مبتنی بر همکاری^۳ داشته باشند، کار گروهی به شکلی مؤثر انجام خواهد گرفت (Yukl, 2006: 370). روابط انسانی مطلوب، تعیین‌کننده سطح عملکرد سازمان‌های جامعه است (Danchev, 2006: 955)؛ به این ترتیب سازمان‌ها و جوامعی که تحمل و مدارای بیشتری دارند، دارای افرادی با سرمایه انسانی بیشتر هستند. به طور کلی تحمل و مدارای زیاد باعث جذب افراد با استعداد و خلاق می‌گردد (شکل شماره ۱). تحمل اجتماعی^۴ عبارت است از بررسی نگرش یک گروه در مورد پذیرش اعضاء از دیگر گروه‌ها (Das, and, et al, 2008: 195).



شکل شماره ۱: ارتباط تحمل و مدارا با سرمایه اجتماعی

ضرورت تحمل و مدارا در جامعه

تحمل، به معنی دادن امتیاز به دیگری، گذشتن از حقوق خود یا لطف کردن به دیگران نیست. بلکه بیش از هر چیز نگرشی است که حاصل شناخت حقوق و آزادی‌های بنیادی دیگران است. تحمل و مدارا فضیلتی است که به ایجاد فرهنگ صلح به‌جای فرهنگ جنگ کمک می‌کند (Unesco, 1995: 3).

1. Learning organization
2. Mutual trust

3. Cooperative relationship
4. Social tolerance

امروزه تحمل و مدارا از هر زمان دیگر ضروری تر است. زیرا در دورانی زندگی می‌کنیم که مسائلی چون اقتصاد جهانی، ارتباطات، وابستگی متقابل، مهاجرت در مقیاس وسیع، گسترش شهرنشینی، و دگرگونی رفتارهای اجتماعی مطرح است. از آنجا که تنوع و گونه‌گونی، بخش‌های مختلف جهان را از یکدیگر جدا می‌کند و اصرار بر تحمل نکردن دیگران هر منطقه را به‌طور بالقوه تهدید می‌کند. تحمل و مدارا در معنای جدید غربی آن، بیشتر در روش سیاسی حکومت به کار می‌رود؛ در حالی که در ادبیات فارسی در ایران، اغلب مفهومی اخلاقی است تا سیاسی (فولادی، ۱۳۷۹: ۱۰)، از روی آزادی، اختیار و آگاهی است و از موضع قدرت صورت می‌گیرد، به این ترتیب فرد مداراکننده قدرت مقابله دارد، اما مقابله نمی‌کند.

الی وسل^۱ معتقد است نفرت داشتن از اعضای گروه‌های دیگر منشأ اصلی مشکلات مردم در عصر جدید است. این تنفر ویرانگر که منجر به رنج و مصیبت می‌شود، اغلب ناشی از آستانه پایین تحمل است. به‌طور معمول افراد، نیت خود را خیر و نیت دیگران را بد می‌پندارند و معتقدند تنها راه خود آنان درست است بنابراین، قادر به تحمل اندیشه‌های مخالف خود نیستند (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۱۴).

در گذشته اغلب در رویارویی با گوناگونی نیروی انسانی، سیاست یکسان‌سازی^۲ اجرا می‌شد (Riley, 2004: 270). بدان معنا که افراد گوناگون، بر کنار یا منفعل می‌شدند؛ اما این امر امروزه اجراشدنی نیست (Francesco and Gold, 2005: 202). یکی از ابعادی که براساس آن گرت هافستد^۳ فرهنگ‌ها را مقایسه می‌کند، خودداری از اعتماد نکردن^۴ است. فرهنگ‌هایی که کمتر از ابهام اجتناب می‌کنند، اختلاف عقیده را می‌پذیرند و راحت‌تر ریسک می‌کنند (Schermerhorn, and, et. al, 2004: 39)، در مقابل، در فرهنگ‌های ابهام‌گریز، افراد از موقعیت‌های مبهم و نامعلوم روی می‌گردانند (Slocum, and, Hellriegel, 2007: 21). و از موقعیت‌های مبهم^۵، احساس تهدید می‌کنند (Luthans, 2006: 49). هافستد دیدگاه اعضای فرهنگ‌هایی را که به شدت از ابهام و اطمینان دوری می‌کنند، در یک جمله این‌گونه خلاصه می‌کند «هر چیزی که متفاوت باشد، خطرناک است». وی عقیده افراد را در فرهنگ‌هایی که کمتر از اطمینان پرهیز می‌کنند، چنین بیان می‌کند «هر چیزی که متفاوت باشد، شگفت‌انگیز است» (گودیکانست، ۱۳۸۳: ۶۱).

تحمل و مدارا در جامعه پیامدهای سودمندی دارد؛ از جمله اینکه موجب ایجاد

1. Elei Wiesel
2. Assimilation

3. Geert Hofstede
4. Uncertainty avoidance

5. Ambiguous situations

زمینه رسیدن به کمال، جذب افراد دارای افکار گوناگون، و استفاده مؤثرتر از سرمایه‌های فکری و انسانی در سازمان می‌گردد؛ درحالی‌که تحمل و مدارا نکردن دیگران باعث از دست رفتن بخشی عظیم از منابع انسانی در جامعه می‌شود.

روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

اطلاعات این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است؛ بدین شرح که کلیه متون کتابخانه‌ای و الکترونیکی با موضوع تحمل و مدارا که در دسترس پژوهشگران بوده، بررسی شده است؛ همچنین تمام آثار منظوم و مثنوی سعیدی برای نگارش این مقاله، تحلیل محتوایی شده است.

به‌طورکلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها دو روش وجود دارد: شیوه آماری (کمی) و شیوه غیر آماری (کیفی). تحقیقات کیفی، متکی بر عقل، منطق، تفکر و استدلال است (حافظنیا، ۱۳۸۰: ۱۹۹). تحقیقات کتابخانه‌ای و نظری و تحقیقاتی که در حوزه ادیان، مذاهب، و متون تاریخی و ادبی انجام می‌شوند، اغلب کیفی‌اند (حافظنیا، ۱۳۸۰: ۲۰۰). در این پژوهش، روش به کار رفته برای تجزیه و تحلیل داده‌ها شیوه کیفی است.

شاخصهای تحمل و مدارا

براساس دیدگاه‌های گوناگون مطرح شده در این مقاله، شاخص‌های تحمل و مدارا استخراج، و فراوانی هر یک از آنها در آثار سعیدی بررسی شد (شکل شماره ۱).

جدول شماره ۲: شاخص‌های تحمل و مدارا در آثار سعیدی و فراوانی هر یک از آنها

فراوانی	مقوله	فراوانی	مقوله
۵	بدنام نکردن دیگران	۳	تحمل
۷	توهین نکردن به دیگران	۸	مدارا
۴	مهربانی به دیگران	۵	توجه به دیدگاه دیگران
۳	طبیعی دانستن قدری تعارض با دیگران	۳	پرهیز از تعصب
۱۱	تلاش برای برقراری ارتباط اثربخش با دیگران	۲	احترام به تفاوت‌های فردی
۱۳	توجه به منافع دیگران	۳	تلاش برای کشف زمینه‌های مشترک
۵	دوری نکردن از دیگران	۴	تنفر نداشتن از اعضای گروه‌های متفاوت
۷۶	جمع		

همچنان‌که در جدول فوق، مشخص است، واژه تحمل هشت بار و واژه مدارا سه بار به صورت مستقیم در آثار سعدی آمده است، توجه به منافع دیگران بیشترین فراوانی را داشته و توجه به تفاوت‌های فردی دو بار در آثار او ذکر شده است. در مجموع، شاخص‌های این دو مقوله به صورت مستقیم و غیرمستقیم ۷۶ بار در آثار این شاعر و نویسنده بزرگ دیده می‌شود.

تحمل و مدارا در دیدگاه سعدی

سعدی تحمل و مدارا را برای مدیران و حاکمان پسندیده‌تر و ضروری‌تر از دیگران می‌داند:

سر پر غرور از تحمل تهی حرامش بود تاج شاهنشهی

(سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۵۱)

از نظر او خردمندان، اهل تحمل و مدارا هستند و خرد واقعی آن است که خشم نتواند بر آن غالب گردد:

تحمل کند هر که را عقل هست نه عقلی که خشمش کند زیر دست

(سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۵۱)

راه سعادت، مدارا با دیگران است و مهربانی با مردم باعث می‌شود که خداوند در روز رستاخیز بر فرد سخت نگیرد:

تو با خلق سهلی کن ای نیکبخت که فردا نگیرد خدا بر تو سخت

(سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۸۵)

تندی، نقطه مقابل تحمل و مدارا است و گاه کار را دشوارتر می‌گرداند.

دامن جامه که در خار مگیلان بگرفت گر تو خواهی که به تندی برهانی بدری

(سعدی، ۱۳۸۵: ۸۷۵)

در بوستان آمده است که خواجه‌ای غلام بدی داشت که دائم او را اذیت می‌کرد، فردی از خواجه سؤال نمود: این غلام چه سودی برای تو دارد؟ از شر او خلاص شو، خواجه جواب داد که با او «تمرین تحمل و مدارا» می‌کنم.

بدست این پسر طبع و خویش و لیک مرا زو طبیعت شود خوی نیک

چو زو کرده باشم تحمل بسی توانم جفا بردن از هر کسی

تحمل چو زهرت نماید نخست ولی شهید گردد چو در طبع رست^۱

(بوستان، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

۱. وقتی جزء طبیعت و عادت شخص شود.

در حکایت دیگر این اثر ارزشمند می خوانیم که سگی پای مردی صحرانشین را گاز گرفت؛ به طوری که بیچاره شب از درد، خوابش نبرد، دخترش به او گفت: تو هم که دندان داشتی، چرا پای سگ را گاز نگرفتی؟ وی پاسخ داد:

البته که زور و قوت داشتیم؛ اما «دریغ آدمم کام و دندان خویش».

محال است اگر تیغ بر سر خورم که دندان به پای سگ اندر برم
توان کرد با ناکسان بدرگی^۱ ولیکن نیاید ز مردم سگی

(سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۱۲۴)

اهمیت تحمل و مدارا از دیدگاه سعدی

تحمل و مدارا باعث می شود که فرد از قوم محوری^۲ خارج گردد. در حالت قوم محوری، انسان تنها فرهنگ خود را دارای ارزش های درست^۳ می داند و برای سایر افراد و فرهنگ هایشان ارزشی قائل نیست. چنین فردی دیگران را حقیر^۴ می پندارد (Slocum, and, Hellriegel, 2007: 285). امروزه سازمان ها برای استفاده بهینه از استعداد نیروی کار گوناگون، نیازمند ساختار و روشی هستند که افراد را به کار با یکدیگر تشویق کند (Jones, 2007: 13). از نظر سعدی تحمل و مدارا اهمیت و کاربرد فراوان دارد. در اینجا به چند مورد از آن اشاره می کنیم:

۱. سعدی اعتقاد دارد که «مدارای دشمن به از کارزار» است (سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۷۳)، تا وقتی می توان با تدبیر و چاره اندیشی با دشمن کنار آمد، باید از جنگ پرهیز نمود. بنابراین مدارا از جنگ جلوگیری می کند.

خواهی که از دشمن نادان که گزندت نرسد رفق پیش آر و مدارا و تواضع کن و جود
(سعدی، ۱۳۸۵: ۸۶۱)

۲. اگر مدارا و تحمل با انگیزه به دست آوردن فرصت انتقام صورت گیرد موقتی و زودگذر خواهد بود.

عدو را به فرصت توان کند پوست پس او را مدارا چنان کن که دوست
(سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۷۳)

۳. مدارا و تحمل، هنگامی که راه دیگری وجود نداشته باشد، روش سودمندی است. در گذشته همواره سیاست یکسان سازی اجرا می شد و مخالفان حذف می شدند؛

۱. بدی، بدذاتی

2. Ethnocentrism

3. Right values

4. Inferior

اما امروزه در دنیای جدید دیگر امکان اجرای این روش وجود ندارد؛ بنابراین لازم است سیاست تحمل و مدارا جایگزین سیاست پیشین شود، سعدی نیز اذعان می‌کند که «برون از مدارا ندیدم طریق» (سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۱۷۸).

۴. تحمل و مدارا مهم‌ترین درس زندگی است، انسان به کمک تحمل از جهل پاک می‌شود. به نظر سعدی، انسان بی‌تحمل، جاهل؛ و انسان بردبار و اهل مدارا فردی تربیت یافته است:

در خاک بیلقان برسیدم به عابدی گفتم: مرا به تربیت از جهل پاک کن
گفتا: برو چو خاک تحمل کن ای فقید یا هر چه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن
(سعدی، ۱۳۸۴ ب: ۱۷۴)

۵. تحمل و مدارا می‌تواند احتمال بروز جنگ و دشمنی را کاهش دهد. دولت و سعادت دنیا و آخرت را می‌توان با شیرین‌زبانی، تحمل و مدارا کسب نمود در حالی «که پیوسته تلخی برد تندخوی».

چو پرخاش‌بینی تحمل بیار که سهلی^۱ بیند در کارزار
لطفات کن آنجا که بینی ستیز نبرد قز^۲ نرم را تیغ تیز
به شیرین‌زبانی و لطف و خوشی توانی که پیلی به مویی کشی
(سعدی، ۱۳۸۴ ب: ۱۲۳)

سعدی معتقد است دشمن را با تحمل و مدارا می‌توان تبدیل به دوست کرد و در مقابل، با درشت‌خویی و نامهربانی، دوست، دشمن خواهد شد:

به نرمی ز دشمن توان کرد دوست چو با دوست سختی کنی، دشمن او است
(سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۲۳۰)

۶. تحمل و مدارا نشانه ارزش قائل شدن برای دیگران است و در عین حال، از قدر و شوکت مدیر نمی‌کاهد.

ز قدر و شوکت سلطان نگشت چیزی کم از التفات به مهمان سرای سلطانی
کلاه گوشه دهقان به آفتاب رسید که سایه بر سرش انداخت چو تو سلطانی
(سعدی، ۱۳۸۴ ب: ۱۱۶)

تحمل و مدارای اقتضایی

منظور از اقتضایی بودن تحمل و مدارا آن است که همواره و در همه شرایط، تحمل و

۱. مدارا

۲. ابریشم

مدارا پسندیده نیست و گاه زیان‌هایی برای انسان به دنبال دارد. سعدی نیز به زیبایی به اهمیت این امر توجه نموده است. وی اعتقاد دارد که گاهی باید با لطف و مدارا سخن گفت، شاید بتوان دلی را اسیر و فرمانبردار خویش گرداند، و در برخی مواقع لازم است با خشونت و درشتی سخن گفته شود؛ زیرا بعضی وقت‌ها صد کوزه نبات، فایده حنظل را ندارد:

وقتی بلطف‌گوی و مدارا و مردمی
باشد که در کمند قبول‌آوری دلی
وقتی بهر گوی که صد کوزه نبات
که گه چنان بکار نیاید که حنظلی^۱

(سعدی، ۱۳۸۴ ب: ۱۷۰)

وی در بوستان بر این باور است که «بدان را تحمل، بد افزون کند» (سعدی، ۱۳۸۴ الف: ۹۸)؛ بنابراین سزاوار نیست با بدان نیکویی شود.

اندیشمندان مدیریت نیز همواره توصیه می‌کنند که مدیران باید به خاطر داشته باشند تحمل و مدارا به معنی مدارا کردن با رفتارهای ناپذیرفتنی نیست؛ به این ترتیب، جایی که تحمل و مدارا موجب گناه یا مستلزم ظلمی بر دیگران گردد، پسندیده نخواهد بود. سعدی همواره ما را به مدارا و تحمل توصیه نموده، مگر در مواقعی که این کار موجب سوءاستفاده دیگران گردد (فولادی، ۱۳۷۹: ۱۰۶). پیامبر اسلام نیز هر چند در حقوق شخصی خود، اهل مدارا و ملایمت بوده‌اند، اما هرگز در اجرای حدود الهی، مداهنه نمی‌کردند. تبعیض، بی‌احترامی در اجرای حدود الهی، بدعت در دین، و بازی با احکام آن از جمله مواردی است که مدارا و مداهنه در برابر آن، هرگز پذیرفته نیست.

چگونگی آموزش تحمل و مدارا به افراد

در اعلامیه اصول تحمل و مدارا، یونسکو اعلام نموده است که تحمل و مدارا به وسیله دانش^۲، صراحت^۳، ارتباطات^۴، آگاهی^۵ و باور^۶ رشد می‌کند. تحمل و مدارا نه تنها الزام اخلاقی بلکه الزامی قانونی و سیاسی^۷ است (Unesco, 1995: 3). خلیل جبران می‌گوید:

من خاموشی را از افراد پر حرف، تحمل را از افراد بی‌تحمل، و مهربانی را از افراد نامهربان آموختم، پسندیده نیست که از این معلم‌های خود تشکر نکنم
(Einstein, 2005: 8).

۱. میوه گیاهی بسیار تلخ که مصرف دارویی دارد.

2. Knowledge
3. Openness

4. Communication
5. Conscience

6. Belief
7. Political and law requirement

سعدی نیز در گلستان حکایت می‌کند که:

لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان، هرچه از ایشان در

نظم ناپسند آمدی از فعل آن احتراز کردم (سعدی، ۱۳۸۴ ب: ۶۵).

بنابراین می‌توان از افراد نابردبار، تحمل را آموخت، به پیامدهای نامطلوب رفتار آنان واقف شد و ضرورت بردباری و تحمل را دریافت. به‌طور کلی توصیه‌های زیر می‌تواند در این باره سودمند باشد:

۱. رفتار احترام‌آمیز با دیگران (Schermerhorn, and, et al, 2004: 23)؛
 ۲. کمک نمودن به افراد برای داشتن احساس خوب درباره خودشان؛
 ۳. به‌دست آوردن اطلاعات درباره آداب و رسوم و مراسم‌های دیگران؛
 ۴. طبیعی دانستن اندکی تفاوت (Slocum and Hellriegel, 2007: 248)؛
 ۵. صبور بودن در رویارویی با دیگران؛
 ۶. پذیرفتن انسان به‌عنوان موجودی منحصر به فرد (Luthans, 2005: 196)؛
 ۷. از بین بردن اندیشه‌های قالبی در ذهن افراد (Schermerborn, and, et al, 2004: 50)؛
 ۸. پرهیز از کینه و نفرت داشتن از یکدیگر (Einstein, 2005: 2)؛
- در یک کلام، افراد جامعه باید بیاموزند که دیگران را تحمل کنند، همچنان که دوست دارند دیگران آنها را تحمل کنند. تحمل یعنی رفتار با دیگران به‌روشی که دوست دارید با شما رفتار شود (Lyness, 2006: 4).

نتیجه‌گیری

تحمل، بردباری، شکیبایی، مدارا و سازگاری و صلح‌طلبی، از نشانه‌های پختگی و خردمندی در فرهنگ ایرانی است. اندرزنامه‌ها و متون ادبی ما سرشار از این محاسن اخلاقی است. تحمل و مدارا با اقوام غالب و مغلوب در طول قرن‌ها و در کوران حوادث، فرهنگ و تمدن ایرانی را زنده و پویا نگاه داشته است.

ناتوانی در برقراری ارتباط اثربخش، و بی‌توجهی به منافع دیگران تا حدود زیادی ناشی از فقر معنوی است. فقر معنوی یعنی احساس پوچی توأم با جدایی از دیگر انسان‌ها، این امر، خود از مشکلات عمده جهان امروز است. اگر انسان نتواند در قبال دیگران احساس تعهد کند، نوعی گرایش به تحقیر انسانیت افراد متفاوت با او، در درونش ایجاد می‌شود. در جوامع امروزی، تحمل و مدارا عامل مهمی در بهبود و رشد بلندمدت انسان‌ها محسوب می‌گردد. تحمل و مدارا موجب سعادت جامعه، و افزایش سرمایه اجتماعی

می‌گردد. اگر جامعه‌ای نیازمند جذب نیروی کارآمد و با استعداد باشد، باید خط‌مشی و محیطی ایجاد نماید که پذیرش و تحمل، و کارکردن با افراد متفاوت را تشویق نماید. روح غالب آموزه‌های دینی و ادبی ما نیز تحمل و مداراست، مگر وقتی که عفت و اخلاق عمومی در معرض خطر قرار گیرد و به سعادت و ارتقاء جامعه لطمه وارد گردد.

منابع

- پیروز، علی (۱۳۸۴): *مدیریت در اسلام*، چاپ دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۰): *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: انتشارات سمت.
- حیاتی، زهرا (۱۳۸۶): *از هویت ایرانی*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- سعدی، مصلح‌بن عبدا... (۱۳۸۴): *بوستان سعدی*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ----- (۱۳۸۴): *گلستان سعدی*، تصحیح غلامحسین یوسفی، ج ۳، تهران: انتشارات خوارزمی.
- سعدی، مصلح‌بن عبدا... (۱۳۸۵): *کلیات سعدی*، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران: انتشارات زواره.
- علی‌آبادی، علیرضا (۱۳۷۷): *مدیران جامعه اسلامی*، قم: مؤسسه فرهنگی نشر رامین.
- فولادی، محمد (۱۳۷۹): «تساهل و تسامح از منظر دین»، *مجله معرفت*، ش ۳۵، شهریورماه، صص ۱۷-۱.
- گودیکانست، ویلیام (۱۳۸۳): *پیوند تفاوت‌ها*، مترجم علی کریمی و مسعود هاشمی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- مروتی، سهراب (۱۳۸۵): مبانی نظری مدارا در قرآن کریم و سنت معصومین، *انجمن معارف اسلامی ایران*، ش ۳، صص ۸۴-۶۳.
- مشیری، مهشید (۱۳۷۱): *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: انتشارات سروش.
- Brooks, K, and, F, Nafukho (2006); "Human Resource Development, Social capital, Emotional Intelligence", *Journal of European Industial Training*, Vol. 30, No. 2, PP 117-128.
- Cranston, M, (1997); "Toleration In The Encyclopedia of philosophy", *The Macmillan company and the Free Press*, Vol. 8. No. 8, PP 139-151.
- Cunningham, I, (2002); "Developing Human and Social Capital in Organizations", *Industrial and Commercial Training*, Vol. 34, No. 3, PP 550-593.
- Danchev, A, (2006); Social Capital And Sustainable Behavior of The Firm, *Industrial Management and Data Systems*, Vol. 106, No. 7, PP 953-965
- Das, J, C, Dirienzo, and, T, Tiemann (2008); A Global Tolerance Index, *International Business Journal*, Vol. 18, No. 3, PP 192-205.
- Einsten, A, (2005); Tolerance Valuing Diversity.
Available at: <http://www.lindoncharacterconection.com/files/curriculum/year4/4_october.pdf>
- Francesco, M, and, B, Gold (2005); *International Organization Behavior*, Prentice: Hall.

- Hoffman, J, and K, Sherif (2005); Social Capital, Knowledge Management, And Sustained Superior Knowledge Performance, *Journal of Knoledge Management*, Vol. 9, No.3, PP 64-81.
- Jones, G, (2007); *Organizational Theory, Desing, And Change*, Fifth Edition, Prentice: Hall.
- Kreitner, S, and, A, Kinicki (2007); *Organizational Behavior*, Sixth Edition, Mc Graw- Hill.
- Luthans, f, (2005); *Organizational Behavior*, Tenth Edition, Mc Graw- Hill.
- Lyness, D, (2006); **Teaching Your Child Tolerance**.
Pvailavile at: <<http://kidshhealth.org/parent/Emotions/Feelings/tolerance.html>>.
- Mc Elroy, M, R, Jorna, and, V, Engelen (2006); Rethinking Social Capitol Theory: A *knowledge management*, Vol. 10, No. 5, pp 121-132.
- Peterson, S, (2003); "Tolerance".
Availavble at: <<http://www.beyondintrac tability.org/essay/tolerance.html>>.
- Riley, J, (2004); *Communication*, Fifth Edition, Mosby.
- Schermerhorn, J, J, Hunt, and, R, Osborn (2004); *Corre Concepts Of Organizational Behavior*, Fifth Edition, John wiley& sons.
- Slocum, J, and, D, Hellriegel (2007); *Fundamentals Of Organizational Behavior*, Thomson, south- western.
- Tymon, W, and, S, Stump (2003); *Social Capital in The Success Of Knowledge Workers, Career Development International*, Vol. 8, No, 1, pp 112-120.
- Unesco, (1995); *Declaration Of Principles On Tolerance*.
Available at: <<http://www.Unesco.org/cpp/UK/declaration/tolerance.pdf>>.
- Unesco, (2008); *Promoting Tolerance, United Nations Educational, scientific, cultural organization*.
Availavle at: <http://www.portal.unesco.org/sha/en/ev.php_URL_ID=6551 & URL_Do = Do_topic & URL_SECTION=201.html>.
- Yukl, G, (2006); *Leadership In Organizations*, Prentice- Hall.